



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی خشونت معلمان در مدارس و تبعات آن بر عملکرد درسی دانش آموزان

مه ناز فیروزی^۱، رضا زارعی^۲، رقیه عقیلی^۳، مسعود سلطانی نژاد^۴

۱- کارشناسی زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان شیراز

۲- کارشناسی ادبیات انگلیسی دانشگاه غیر انتفاعی زند شیراز

۳- کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت برنامه ریزی آموزشی دانشگاه پیام نور مهاباد

۴- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه

m.firoozi11@gmail.com

چکیده

خشونت معلم به عنوان استفاده عمدی از قدرت توسط معلمان علیه دانش آموزان به روش های مختلف از جمله تجاوز فیزیکی، کلامی، روانی و جنسی تعریف می شود. قربانیان خشونت در مدرسه بیش از سایر دانش آموزان مضطرب و ناامن هستند. علیرغم پیشرفت ها در توسعه و اجرای مداخلات مبتنی بر مدرسه، پرخاشگری در مدارس همچنان یک مشکل مهم برای معلمان است. امروزه خشونت معلمان در مدرسه بر همه اعضای جامعه مدرسه تأثیر می گذارد. به منظور درک شرایطی که تحت تأثیر آن ممکن است بر پاسخ های عاطفی و رفتاری به رفتار پرخاشگرانه تأثیر بگذارد، در نظر گرفتن فرآیندهای احتمالی که توسط آن عوامل خاصی بر آن پاسخ ها تأثیر می گذارند مفید است. در هر دو جمعیت غیر بالینی و بالینی، تحقیقاتی که نقش عوامل را بررسی می کنند، کاربرد آن را در پیش بینی پاسخ افراد به دیگران نشان داده اند. با این حال، توجه به عوامل زمینه ای که بر تعمیم این یافته ها تأثیر می گذارند، مهم است. اگرچه نتایج امیدوارکننده است، اما دامنه محدود مطالعات (به ویژه در دهه گذشته) در این زمینه تحقیقاتی نیاز به ارزیابی بیشتر فرآیندی است که توسط معلمان به پرخاشگری کلاس پاسخ داده و با در نظر گرفتن ویژگی های خاص معلم، دانش آموز و به طور کلی محیط مدرسه نشان می دهد. روش مطالعه در این پژوهش به صورت تحلیلی _ توصیفی بوده است. برای این منظور از ابزارهای کتابخانه همچون؛ مطالب تحقیقات، اسناد، مقالات مرتبط با موضوع استفاده شده است. مطالعه حاضر به بررسی بررسی خشونت معلمان در مدارس و تبعات آن بر عملکرد درسی دانش آموزان می پردازد.

واژگان کلیدی: خشونت، ادراک معلمان از خشونت، ادراک دانش آموزان، پرخاشگری در مدارس.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

امروزه خشونت مدرسه بر همه اعضای جامعه مدرسه تأثیر می‌گذارد. بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، خشونت به هرگونه فشار فیزیکی، روانی اجتماعی و عاطفی بر هر کسی که منجر به آسیب، صدمه و هرگونه مشکل عاطفی می‌شود، مربوط می‌شود (باریقلی و همکاران، ۲۰۱۸). افراد زیر ۱۸ سال می‌توانند خشونت را در مدرسه ایجاد کنند. خشونت در مدرسه از منابع مختلفی سرچشمه می‌گیرد، بنابراین باید اطلاعات زیادی در مورد آنها بدانید. از سوی دیگر، بسیاری از نظریه‌ها مانند نظریه برونفنبرنر معتقدند که روابط دو طرفه هستند، بنابراین خشونت بر معلمان و دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. توهین، دعوا، تحقیق در مورد ویژگی‌های جسمی و روانی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، و وابستگی مذهبی یا قومی همگی نمونه‌هایی از حوادث خشونت‌آمیز در مدرسه هستند. خشونت مدرسه باعث ناسالم شدن کلاس‌ها و محیط‌های مدرسه می‌شود، تدریس را برای معلمان سخت می‌کند و رابطه بین دانش‌آموزان و معلمان را مختل می‌کند. به تعبیری ساده تر، پرخاشگری عبارت است از هرگونه رفتار قابل مشاهده‌ای که شاکله آن آسیب‌رسانی به دیگران باشد.

از میان بسیاری از رفتارهای خودکنترلی که فرد بایستی در طی زندگی بیاموزد شاید هیچ یک به اندازه خشونت در کانون توجه قرار ندارد، چراکه عدم توانایی در کنترل پرخاشگری و خشونت باعث تحمیل هزینه‌های بسیاری بر فرد در موقعیت‌های مختلف زندگی می‌شود. اساساً پرخاشگری و خشونت زمانی خود را بروز می‌دهند که تعادل بین تکانه‌ها و کنترل درونی در هم می‌شکند. هرگونه شرایطی که افزایش عوامل پرخاشگری را در زمینه کاهش کنترل فراهم کند ممکن است به بروز خشونت منجر شود. از این روبرو هرگونه اقدام پرخاشگرانه از نوع بدنی، اجتماعی، اقتصادی و روانی که فرد در جهت پیشبرد امیال و خواست‌های خود، بدون توجه به تمایل و خواسته‌های دیگری استفاده کند، خشونت اطلاق می‌شود. تعاریف خشونت با توجه به محیط و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است؛ به همین سبب سازمان بهداشت جهانی، خشونت را به عنوان استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، تهدید برعلیه خود، شخص دیگر یا برعلیه گروه یا جامعه تعریف می‌کند که می‌تواند به احتمال زیاد به جراحت، مرگ یا آسیب روانی، رشد بد و ناصحیح و محرومیت منجر شود. مطابق با این تعریف، خشونت معلم به عنوان استفاده عمدی معلمان از قدرت، در برابر دانش‌آموزان در اشکال مختلف از جمله فیزیکی، کلامی، روانی و جنسی تصور می‌شود که هدفش آسیب رساندن است (باریقلی و همکاران، ۲۰۱۸).

نقش معلم در سیستم آموزشی

مهمترین عامل در آموزش و فعالیت‌های آموزشی معلم است. معلم در کلی‌ترین عبارت، فردی است که در مؤسسات آموزشی کار می‌کند و دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا به اهداف و دستاوردهای شناختی، حسی و رفتاری در محدوده تعیین‌شده توسط سیستم آموزشی برسند. در عصر ما یک معلم مدرن از این تعریف نیز فراتر رفته است. معلمی فراتر از تدریس کلاس، سخنرانی، امتحان دادن و نمره دادن است. معلم همچنین نقش سازماندهی، مدیریت، مشاوره، مشاهده و ارزشیابی را بر عهده می‌گیرد. معلم همچنین نقش مهمی در تأثیرگذاری بر جامعه، ایجاد زیربنای سالم نسبت به آینده جامعه و تضمین تداوم این گونه اقدامات دارد (گاندگو و سیلمن، ۲۰۰۷).

بعد از خانواده، مدرسه اولین نهاد اجتماعی شدن کودک است. به غیر از والدین، این معلم دانش‌آموز است که به طور موثر در رشد شخصیتی و عملکرد تحصیلی و اجتماعی او در صندلی جلو قرار دارد. درک آموزش مدرن در عصر ما، وظیفه و مسئولیت مؤثر بودن نه تنها در رشد فکری کودک، بلکه در رشد شخصیت را تنها بر دوش معلم قرار می‌دهد. انجام این مسئولیت تنها از طریق توانایی معلم برای ایجاد ارزش‌های شخصیتی سالم و همچنین ایجاد کارایی در روابط خود با دانش‌آموزان امکان‌پذیر است تا به آنها اجازه دهد آزادانه شخصیت خود را توسعه دهند. توانایی‌ها و ویژگی‌هایی که برای معلم خوب بودن لازم است نیز همان عواملی هستند که یک آموزش خوب را تعریف می‌کنند. یک معلم خوب هشت ویژگی اساسی دارد که عبارتند از:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

دانش مواد؛ تصمیم گیری؛ هر چند انتقادی و توانایی حل مسئله. درک خود و اصلاح خود؛ انعکاس؛ شناخت دانش آموزان و شناخت نیازهای یادگیری دانش آموزان؛ به کارگیری یافته های جدید در آموزش و پرورش؛ توانایی تدریس و ارتباط. می توان این خواص را در دو عنوان جمع آوری کرد. معلمی که نقادانه می اندیشد و معلم خودگردان. معلمی که می داند ماهیت دانش و توانایی ها مستقیماً بر دانش آموزان و اطرافیانش تأثیر می گذارد، مسئولیت دانش و توانایی های خود را بر عهده می گیرد، روابط مثبتی با دانش آموزانش ایجاد می کند و می تواند اینها را به بهترین شکل به دانش آموزان منتقل کند. در کل این فرآیند، تأثیر معلم در رشد شخصیت و موفقیت دانش آموزان واقعیتی است که نمی توان از آن چشم پوشی کرد. معلم از طریق نگرش مثبت یا منفی در ارتباط با دانش آموزان و نحوه انعکاس آن، شکل زندگی آنها را جهت می دهد، تأثیر مثبت یا منفی بر نگرش نسبت به خود یا عموم مردم دارد و بر رشد دانش آموزان تأثیر می گذارد. توانایی برقراری ارتباط، تحقیق و خلاقیت و رفتار و رویکرد معلم مستقیماً توسط دانش آموزان پذیرفته می شود که مسئولیت های بزرگی را بر دوش معلمان می گذارد. مطالعات انجام شده در روز جاری به وضوح تأثیر تعامل متقابل دانش آموزان در روابط معلم و دانش آموز، رویکرد معلمان نسبت به دانش آموزان و به ویژه درک دانش آموزان از این موضوع را نشان می دهد (کان، ۲۰۱۱).

برای یک معلم، توانایی تعامل با دانش آموز و نشان دادن رفتار مثبت مانند پرسیدن سوال، درک افکار او، ابراز علاقه و قدردانی باعث افزایش انگیزه و موفقیت دانش آموزان می شود. معلمان در حالی که برای ارائه اطلاعات، تجربه و رفتار دانش آموزان در سطح رشد معینی در مورد یک موضوع خاص تلاش می کنند، با رفتار و نگرش خود به الگوهایی برای دانش آموزان تبدیل می شوند. نگرش های مثبت منجر به موفقیت می شود در حالی که نگرش های منفی منجر به شکست می شود و در نتیجه موفقیت می تواند به نگرش های من مثبت منجر شود در حالی که شکست منجر به نگرش های من منفی می شود. به عنوان مثال، اگر معلم به دلیل شکست دانش آموزی دست به اظهار نظرهای تحقیر آمیز بزند، اثرات منفی آن اجتناب ناپذیر خواهد بود.

در مطالعه لنمن (۲۰۱۱) در رابطه با تأثیر رفتار مثبت معلم بر سطح انگیزه دانش آموز، نویسنده بر رفتارهای خاصی برای معلمان مانند دادن بازخورد برای آثار دانش آموز، تعریف کردن، تمایل به گوش دادن به دانش آموزان و علاقه مندی تمرکز کرده است. نتایج مطالعه نشان می دهد که اقدامات غیرکلامی معلمان مانند لبخند زدن، داشتن حالت آرام، ژست های مختلف و حالات چهره در بهبود تجربه یادگیری دانش آموزان حرف اول را می زند در حالی که موضوع خود کلاس در رتبه دوم قرار دارد. عملکرد دانش آموز کاملاً نتیجه کار آنها نیست. عملکرد تحت تأثیر عوامل زیادی قرار می گیرد و اولین مورد نگرش معلم است. نگرش مثبت معلم بر انگیزه دانش آموز، نگرش نسبت به مدرسه و کار مدرسه، اعتماد به نفس دانش آموز و در نتیجه رشد شخصیت تأثیر می گذارد. آموزش بسیار بیشتر از گفتن و توضیح دادن است. یکی از اساسی ترین اصول توانایی های تدریس، حمایت از دانش آموز توسط معلم است و معلم برای ایجاد انگیزه در دانش آموز، انتظارات مثبت او را به کار می گیرد. در حالی که رفتار مثبت معلم به او اجازه می دهد تا رابطه مثبتی با دانش آموزان ایجاد کند، همچنین به معلم این امکان را می دهد که بر روی رفتار مثبت دانش آموزان به جای رفتار منفی تمرکز کند و نقش تقویت کننده را نیز ایفا کند.

در نظام آموزشی، شرط یک مربی خوب، شناخت خوب فرآیند ارتباط است. معلمی که سعی می کند از هم جدا شود عواطف دانش آموزان مانند علاقه، ترس و نگرانی را بشناسد، از فعالیت های اجتماعی دانش آموزان حمایت می کند، از آنها قدردانی می کند، آنها را تأیید می کند و به خاطر فعالیت هایی که آنها ارزشمند می دانند، به دانش آموزان این احساس را می دهد که مورد توجه، محبت و یاری قرار می گیرند. و اینکه معلم برای خیر آنها کار می کند. شاگردان چنین معلمی با الگو گرفتن از معلم، به نوبه خود مراقب دیگران، دویدن به کمک دیگران، حفظ روابط خوب و نگرش مثبت خواهند بود (زوربا، ۲۰۰۷).

خشونت، دسته بندی و علل آن در نظام آموزشی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تقسیم بندی‌های گوناگونی برای خشونت وجود دارد، که از آن جمله می‌توان به خشونت مستقیم و غیرمستقیم اشاره کرد، خشونت مستقیم شامل هر آن چه که به عین دیده می‌شود و آشکار است، مانند زد و خورد، شکنجه، قتل و ... است، در حالی که خشونت غیر مستقیم به چشم دیده نمی‌شود ولی آثار آن احساس می‌شود مانند کینه، کدورت، بی اعتمادی، بی تفاوتی و عدم همکاری. دسته بندی دیگر خشونت را در اشکال جسمانی، کلامی، عاطفی و جنسی جای می‌دهد که عبارتند از:

۱- خشونت جسمانی فیزیکی: شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگدزدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. این صدمات می‌تواند در نتیجه‌ی استفاده از اشیایی نظیر کمر بند، ترکه چوب و چماق به وجود آید.

۲- خشونت جنسی: در واقع عبارت است از اینکه بزرگسالان یا کودکان بزرگتر از یک کودک برای ارضای جنسی استفاده کنند، که ممکن است همراه با تماس یا بدون تماس باشد. اشکال تماس شامل لمس کردن جنسی یک کودک یا تقاضا نمودن از کودک که یک بزرگسال را به طریق جنسی لمس کند. اشکال غیرتماسی نیز شامل در معرض نمایش قرار دادن آلات جنسی در مقابل کودک یا عکس‌های مستهجن از کودکان گرفتن و... است.

۳- خشونت کلامی: بعضی از رفتارها از جمله تحقیر، توهین، دشنام، زیرپا گذاشتن حقوق دیگران، تمسخر و بی‌عدالتی در گفتار را دربرمی‌گیرد.

۳- خشونت عاطفی (روانی): خشونت عاطفی یا بدرفتاری روانی به عنوان لفظی تعریف شده است که در آن یک فرد بزرگسال به خودپنداری شایستگی‌های اجتماعی کودک حمله می‌کند، که در الفاظی مانند اهانت، تهدید یا تحقیر کردن به کار برده می‌شود. به عبارتی نگرش و رفتارهای تحقیرآمیز یک فرد بزرگسال یا یک فرد مسن نسبت به یک کودک و آسیب رساندن به اعتماد به نفس او به عنوان خشونت عاطفی در نظر گرفته می‌شود. خشونت عاطفی همچنین می‌تواند در میان همسالان نیز رخ دهد. اظهارات توهین آمیز، اتهامات، تهدید، مورد خطاب قرار دادن با القاب تحقیر آمیز، توهین یا بی‌توجهی کردن، نمونه‌هایی از خشونت عاطفی در مدرسه هستند. علاوه بر این، محیطی که در آن به کودکان توجه نمی‌شود و بی‌اعتمادی در آن رایج است نیز از جمله عوامل زمینه ساز خشونت عاطفی محسوب می‌شود.

خشونت پدیده جدیدی نیست و در طول تاریخ خشونت‌های مختلفی رخ داده است که اکثراً در جهت دستیابی به منافع شخصی و به دلیل اختلاف‌های گوناگون که در مسیر رسیدن به این منافع وجود داشته است رخ داده است (شکوهی یکتا و همکاران ۱۳۹۰). آنچه در تعلیم و تربیت هائز اهمیت و نگران کننده است، گسترش خشونت در مدارس و بی‌توجهی به آن است. در مورد عوامل ایجاد کننده خشونت نظریه‌های مختلفی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- نظریه بی‌سازمانی و آشفتگی اجتماعی: پیرامون این نظریه خشونت را به عنوان پیامد بی‌نظمی و بی‌انضباطی حاکم بر فضای زندگی فرد می‌نگرند.

۲- نظریه ناکامی: طبق این نظریه اگر هر فردی در رسیدن به هدف خود با شکست مواجه شود ناکامی حاصل، احتمال پاسخ پرخاشگرانه او را افزایش می‌دهد. طبق این نظریه، مهم‌ترین عامل در ایجاد پرخاشگری از میان همه عوامل ممکن ناکامی است، ولی این به آن معنا نیست که ناکامی همواره به پرخاشگری منجر می‌شود یا اینکه ناکامی تنها علت پرخاشگری است. در این رابطه یافته‌های پژوهش بابایی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که هر چقدر دانش آموزان در رسیدن به اهداف مورد نظر خود ناکام شوند، به همان اندازه احتمال بروز رفتار خشونت آمیز افزایش می‌یابد.

۳- نظریه یادگیری اجتماعی: این دیدگاه به تأثیر خانواده و افراد هم سن در ارتکاب به خشونت اشاره دارد. براساس این دیدگاه رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می‌شود. محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه از جمله مهم‌ترین علل اجتماعی مؤثر در رفتارهای خشن به حساب می‌آیند. بنابراین، براساس این نظریه، خشونت از طریق مشاهده چه به طور مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم آموخته می‌شود و کودکانی که خشونت را می‌آموزند بیشتر از دیگر افراد در بزرگسالی عامل خشونت یا قربانی خشونت می‌شوند، به عبارت دیگر خشونت، خشونت را می‌پروراند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

عوامل اثرگذار بر خشونت معلمان

تحقیقات انجام گرفته حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان و افراد مجرد، امتیاز بیشتری نسبت به افراد متاهل داشتند. به نظر می رسد معلمان مرد از خودکنترلی و کنترل خشونت کمتری برخوردارند زیرا آنها کمتر اجتماعی و دوستانه هستند. از سوی دیگر، مردان بیشتر از زنان از رفتارهای پرخاشگرانه استفاده می کنند، شاید این تفاوت در فرهنگ منشأ می گیرد که مردم از مردان توقع دارند که سرسخت و انعطاف ناپذیر باشند و زنان احساساتی تر باشند و برای خشن بودن تربیت نشده باشند (یاریقلی و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین معلمانی که مجرد هستند شاید فرآیند اجتماعی شدن خود را کامل نکرده و رفتارهای خود را مدیریت نمی کنند. علاوه بر این، معلم متاهل ممکن است فرزند داشته باشد، بنابراین دلسوزانه عمل می کند و صبرشان بیشتر از مجردها است، زیرا قبلاً آموخته اند (شکوهی یکتا و همکاران ۱۳۹۰). مطالعات قبلی اشاره کردند که شرایط عاطفی، بهزیستی معلم و سطح استرس معلمان باعث شد که آنها رفتار پرخاشگرانه داشته باشند. شرایط کار نیز یکی از منابع اعمال خشونت آمیز علیه دانش آموزان است.

لازم به ذکر است که سطح تحصیلات معلم بر خشونت تأثیر می گذارد، معلمان دارای مدرک دیپلم نسبت به سایر معلمان خشونت بیشتری داشتند، این نتیجه حاصل می شود که در دانشگاه بسیاری از دروس مربوط به مشکلات روانی-اجتماعی می آموزند که چگونه می توانند احساسات خود را کنترل کنند یا زمانی که در این موقعیت قرار گرفتند چگونه می توانند انجام دهند. بهترین، بنابراین معلمانی که دارای مدرک دیپلم هستند و تحصیلات آکادمیک ندارند، بیشتر مستعد استفاده از خشونت هستند. تحقیقات کان (۲۰۱۱) نشان دادند که کم کاری فیزیکی مرتبط با خشونت فیزیکی و کلامی، سرقت و سرقت و توانایی عاطفی پایین با خشونت فیزیکی و کلامی، استفاده از سلاح و برخی از انواع خشونت رابطه دارد. ما یک همبستگی بین توانایی کاری فیزیکی، عاطفی و آینده معلمان و خشونت مدرسه پیدا کردیم که نشان دهنده نیاز به ترویج یک محیط امن تر برای کار در داخل مدرسه و در کل جامعه است. چویی (۲۰۲۱) نشان داد که حمایت تحصیلی معلمان از نوجوانان در مدارس با منابع ضعیف کم است. برنامه های پیشگیری ثانویه در مدارس به دانش آموزان آموزش های اضافی و حمایت تحصیلی در مناطق محروم ارائه می کنند، بنابراین می توانند خشونت و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی تأخیر مدرسه را در نوجوانان کاهش دهند (چویی، ۲۰۲۱). فرارا و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که معلمان با حقوق پایین تهاجمی تر عمل می کنند (فرارا و همکاران، ۲۰۱۹). پیشکین و همکاران (۲۰۱۴) معتقد بود که شرایط اقتصادی، در دسترس بودن امکانات، تعداد زیاد دانش آموزان و سیستم حمایتی برای تدریس بر رفتار معلمان تأثیر می گذارد. همچنین تأثیرات معنادار و منفی خشونت مدرسه را بر مشارکت حرفه ای معلم با واسطه خودکارآمدی معلم نشان داد (پیشکین و همکاران، ۲۰۱۴).

پیامدهای خشونت معلمان در یادگیری دانش آموزان

تحقیقات در مورد پیامدهای پرخاشگری دوران کودکی، چه در محیط مدرسه و چه در خارج از محیط مدرسه، شدت این مشکل را تایید می کند. برای کودک پرخاشگر، نشان داده شده است که چنین رفتاری به طور جدی رشد تحصیلی، اجتماعی و عاطفی او را مختل می کند. به طور خاص، رفتار پرخاشگرانه رشد تحصیلی کودک را مختل می کند و قرار گرفتن در معرض تعاملات اجتماعی را محدود می کند. در رابطه با عملکرد مدرسه، کودکان پرخاشگر اغلب با اثر ترکیبی مشکلات نظم کلاسی و مشکلات پیشرفت تحصیلی روبرو هستند. بین ۱۱ تا ۶۱ درصد از کودکان دارای مشکلات رفتاری و پرخاشگری، ناتوانی یادگیری قابل توجهی دارند با این حال، سیاست های مدرسه به طور کلی الزام می کند که دانش آموزان پرخاشگر فوراً از کلاس درس حذف شوند تا اطمینان حاصل شود که افراد یا اموال مدرسه آسیب بیشتری نمی بینند در نتیجه، دانش آموزان پرخاشگر بدون شک با مفاهیم مهم تحصیلی که در کلاس تدریس می شوند کمتر مواجه می شوند و پس از بازگشت به کلاس های خود از پیشرفت تحصیلی خود عقب تر هستند (لستر و همکاران، ۲۰۱۷). ادامه چالش ها و شکست های تحصیلی ممکن است باعث تشدید رفتارهای مشکل ساز در محیط مدرسه شود. جای تعجب نیست که رفتار پرخاشگرانه نیز پیامدهای منفی قابل توجهی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برای کسانی که با کودک در تعامل هستند به همراه دارد. در واقع، طبق مطالعه ملی رفتار خطرآفرین جوانان در سال ۲۰۰۵، بین ۳ تا ۹٫۴ درصد از دانش‌آموزان در ایالات متحده گزارش می‌دهند که در مدرسه به دلیل خشونت دانش‌آموزان در مدرسه یا در حین انتقال به مدرسه یا از مدرسه احساس ناامنی می‌کنند. نرخ‌ها در میان دانش‌آموزان دبیرستانی و ابتدایی دبیرستان به اوج خود می‌رسد. علاوه بر این، ادامه وقوع حوادث بسیار مشکل‌ساز مانند تیراندازی در مدرسه و اشکال جدی‌تر یا مزمن قلدری وجود دارد. اگرچه رویدادهای جدی نادر است، اما آنها یک احساس ماندگار از شوک، دلهره و اندوه را در بین دانش‌آموزان در همه جا به جا می‌گذارند (پیکارسکا، ۲۰۰۰).

پیامدهای منفی خشونت شامل مشکلات تحصیلی، عزت نفس پایین، اجتناب از مدرسه، افسردگی و اضطراب است. یک مطالعه عمیق و جامع در مورد پیشگیری از خشونت در مدارس هم ضروری و مهم است. قربانیان خشونت مدرسه بیش از همسالان خود مضطرب و ناامن هستند و واکنش آنها گریه کردن و منزوی کردن خود است. قربانیان عزت نفس پایینی دارند و در مقابل همسالان خود احساس بدبینی، تحقیر، شرم، انزوا، طرد شدگی و غیرجذابیت می‌کنند. آنها مهارت‌های اجتماعی ضعیفی دارند و مشکلاتی در روابط بین فردی خود دارند، مانند اضطراب اجتماعی، تنهایی و ترس از قضاوت منفی. معلمان نقش حمایتی مهمی در پیشگیری از خشونت در مدارس ایفا می‌کنند، مانند کمک به دانش‌آموزان در درس‌هایشان. مدارس مکان‌های مهمی برای رشد دانش‌آموزان آینده هستند، سطوح مختلف خشونت مدرسه در دسترس است و معلمان اغلب از خشونت فیزیکی و عاطفی علیه کودکان استفاده می‌کنند. خشونت مدرسه گاهی اوقات با عدم تعامل، جابجایی یا رفاه عاطفی معلم مرتبط است. در بسیاری از کشورها، روشن نیست که چگونه خشونت مدرسه بر حرفه معلمان تأثیر می‌گذارد. آزار کلامی، جسمی و روانی-اجتماعی همگی اشکال خشونت هستند (هکر و همکاران، ۲۰۱۸). دلایل زیادی از جمله ارتباط معلمان با سایر کارکنان، وضعیت اقتصادی و عاطفی معلمان، رضایت شغلی و غیره منجر به خشونت معلم علیه دانش‌آموزان می‌شود، حتی رفتار دانش‌آموز با معلم نیز منجر به خشونت می‌شود. مطالعات انجام شده در مورد خشونت فیزیکی نشان داد که افرادی که بسیار عصبانی بودند و رفتارهای خشونت‌آمیز انجام می‌دادند، فشار زیادی بر بدن خود وارد می‌کردند که منجر به مشکلات طولانی مدت در قلب و سیستم عصبی می‌شد. طبق مطالعات قبلی، دانش‌آموزان پرخاشگر و بدون پیشرفت تحصیلی، معلمان خود را تحریک می‌کنند تا با خشونت علیه آنها رفتار کنند همچنین خشونت بیشتر کلامی است و اغلب در مدارس با اقلیت‌های قومی از مناطق حاشیه‌نشین رخ می‌دهد. مدارس راهنمایی و دبیرستان در سراسر جهان مملو از دانش‌آموزانی است که قربانی خشونت همسالان، معلمان یا سایر کارکنان مدرسه شده‌اند (پیکارسکا، ۲۰۰۰).

همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که از دیدگاه دانش‌آموزان، خشونت‌آمیزترین رفتار «بی‌توجهی به دست بلند کردن»ها یا پاسخ ندادن به سؤالات دانش‌آموزان» بوده، در حالی که از دیدگاه معلمان، خشونت‌آمیزترین رفتار «تهدید دانش‌آموزان به دادن نمره‌های پایین‌تر یا رد کردن آن‌ها» است. همچنین از دیدگاه دانش‌آموزان، «سرزنش کردن کل کلاس یا گروهی که در آن حضور دارید» بیشترین میانگین خشونت معلمان را دارد (تئوکلیت و همکاران، ۲۰۱۲).

بحث و نتیجه گیری

در نتیجه مطالعه انجام گرفته این نکته مهم به دست آمد که رفتارهای معلمان چه در مدرسه و چه در جامعه تأثیر مستقیم بر دانش‌آموزانشان دارد و در واقع یک رابطه متقابل طولی میان خشونت معلمان و یادگیری دانش‌آموزان دارد. خشونت و پرخاشگری از هر نوع و دسته‌ای که از سوی معلمان صورت پذیرد از این مسئله جدا نیست و افراد در ارتباط مستقیم با خود یعنی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. واکنش‌های دانش‌آموزان به این نوع رفتار که معمولاً در جوامع مختلف ناشایست تلقی می‌شود پاسخ‌ها و پیامدهای مثبتی در آینده خود آنها و در نتیجه در آینده جامعه ندارند. در نظر گرفتن عوامل مختلفی نظیر داشتن آسایش و رفاه فکری همچنین دارا بودن آموزش‌های لازم در مورد ارتباط و رفتار با دانش‌آموزان می‌تواند سبب کاهش میزان خشونت و پرخاشگری معلمان شده که آثار خوبی را در جامعه به خصوص در آینده دانش‌آموزان



در پی خواهد داشت. همچنین یادگیری دانش آموزان در طول تحصیلاتشان تنها وابسته به معلم نبوده و سایر افراد حاضر در مدرسه همچنین سایر افراد جامعه از عوامل موثر بر یادگیری و آینده شغلی و جایگاه اجتماعی آنها هستند. تجربیات دانش آموزان از خشونت در نظام آموزشی به شکل «سیستم آموزشی مضر»، «ترک تحصیل» و «کاربرد راهبردهای مراقبتی» است. خشونت معلمان به صورت های مختلف بروز می کند و این نیز تاثیرات بسیاری منفی بسیاری بر دانش آموزان دارد. بیشترین تاثیر منفی از نوع عاطفی است که می تواند در زندگی آینده دانش آموزان تاثیرات منفی می گذارد.

منابع

۱. بابایی، محبوبه، ذوالقدر، علی، ندرلو، سکینه و ذوالقدر، حمید (۱۳۹۲). عوامل و ریشه های خشونت در بین دانش آموزان دوره دبیرستان آذرشهر، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۱-۳۹:۱۲، ن ۳۹:۱۲.
۲. شکوهی یکتا، محسن، زمانی، نیره و جوادی آسایش، سحرانه (۱۳۹۰). پیگیری تاثیر آموزش های شناختی - رفتاری بر کنترل خشم در معلمان دانش آموزان کم توان ذهن فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی ۱۴۶-۱۲۹.
۳. Choi, B. (2021). Cycle of violence in schools: Longitudinal reciprocal relationship between student's aggression and teacher's use of corporal punishment. *Journal of interpersonal violence*, 36(3-4), 1168-1188.
۴. Can, G. (2011). Development of personality. *Educational psychology: Development-learning-teaching*(7 ed.). Ankara: Pegem Akademi.
۵. Ferrara, P., Franceschini, G., Villani, A., & Corsello, G. (2019). Physical, psychological and social impact of school violence on children. *Italian journal of pediatrics*, 45(1), 1-4.
۶. Gundogdu, K., & Silman, F. (2007). Teaching as a profession and effective teaching. 2007). *Introduction to education: Handbook of basic concepts*, 259-292.
۷. Hecker, T., Goessmann, K., Nkuba, M., & Hermenau, K. (2018). Teachers' stress intensifies violent disciplining in Tanzanian secondary schools. *Child Abuse & Neglect*, 76, 173-183.
۸. Lester, S., Lawrence, C., & Ward, C. L. (2017). What do we know about preventing school violence? A systematic review of systematic reviews. *Psychology, Health & Medicine*, 22(sup1), 187-223.
۹. Inelmen, E. (2011). Integrating all learning activities around a city study curriculum. *Cypriot Journal of Educational Sciences*, 6(1), 37-45.
۱۰. Piekarska, A. (2000). School stress, teachers' abusive behaviors, and children's coping strategies. *Child Abuse & Neglect*, 24(11), 1443-1449.
۱۱. Pişkin, M. E. T. İ. N., Atik, G. Ö. K. H. A. N., Çınkır, Ş. A. K. İ. R., Öğülmüş, S. E. L. A. H. İ. D. D. İ. N., Babadoğan, M. U. S. T. A. F. A., & Çokluk, Ö. (2014). The development and validation of the teacher violence scale Öğretmen şiddeti ölçeği'nin geliştirilmesi ve doğrulanması. *Eğitim Araştırmaları-Eurasian Journal of Educational Research*, 14(56).
۱۲. Theoklitou, D., Kabitsis, N., & Kabitsi, A. (2012). Physical and emotional abuse of primary school children by teachers. *Child abuse & neglect*, 36(1), 64-70.
۱۳. Yarigholi, B., Herfati Sobhani, M., Ghsabzadeh, J., & RAHIMI, H. (2018). Teachers' experiences of the underlying factors of violence in schools, a phenomenology study. *The Journal of New Thoughts on Education*, 14(1), 159-197.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۴. Zorba, H. (2007). *Öğrencinin başarısında öğretmenin davranışlarının etkisi* (Master's thesis, Sosyal Bilimler Enstitüsü).